

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۱ - ۲۶۵

مسئله اعتماد اجتماعی در نظام اجتماعی اسلام

حسن خیری^۱

چکیده

امروزه یکی از مسائل اساسی جوامع غربی و جوامعی که متأثر از فرهنگ غربی هستند کاهش سرمایه اجتماعی است. اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است. کاهش اعتماد اجتماعی بحران هویتی و فرهنگی را به دنبال داشته و این مسئله را در کانون توجه جامعه‌شناسان قرار داده است. جامعه اسلامی ما به میزانی که پای بند به آموزه‌های اسلامی است از این سرمایه برخوردار است. بدین روی هدف این مقاله بررسی اعتماد اجتماعی در نظام اجتماعی اسلامی است. مقاله از روش توصیفی تحلیلی بهره‌جسته و موضوع را از ابعاد مختلف اعتقادی، اصول فقه، اخلاق اجتماعی و فقهی واکاوی نموده‌است. مفاهیمی چون "ایمان"، "مؤمن"، "متقی"، "برادر"، "ولایت مؤمنانه"، "کرامت انسانی"، "حق الله و حق الناس"، "مسلم"، "متشرع"، "متخلق"، "تعاون"، "تکافل"، "مواسات"، "قرض الحسنه"، "صدقه"، "وقف"، "عمل صالح"، "حسن خلق"، "تولی"، "حرمت غیبت و تهمت و افتراء و اهانت" و دهها مفهوم دیگر حاوی معنای اعتماد اجتماعی است. در بحث اعتقادی به سنت‌های الهی و نقش توکل و اعتماد به وعده‌های الهی اشاره شده و در بحث اصول فقه بحث خبر واحد و بنای عقلاء به عنوان دو موضوع اساسی در زیر مجموعه اعتماد اجتماعی بررسی شده و در بحث اخلاق اجتماعی برخی اصول اخلاقی و رویه‌های پیشوایان دینی در تأکید بر اعتماد مؤمنان نسبت به هم و ضرورت برقراری رابطه برادرانه اشاره شده و در بحث احکام فقهی نیز برخی عناصر زیرساختی، ساختی و عاملیتی مقوم اعتماد اجتماعی تشریح گردیده‌است. از جمله عناصر ساختی مطرح در این مقاله عبارت است از: خاستگاه کتاب، سنت و عقل، ابتنای بر حکمت‌نظری و عملی، تفکیک حق الله و حق الناس و رابطه اخوت، بنوت، نبوت و امامت. نتیجه آنکه بسیاری از احکام اخلاقی، فقهی اسلام به صورت ساختاری یا عاملیتی، مستقیم یا غیر مستقیم به تقویت اعتماد اجتماعی منجر می‌شود و در عین حال فرد و جامعه را از اعتماد بی‌جا برحذر می‌دارد.

واژگان کلیدی

اعتماد اجتماعی، اخلاق اجتماعی مقوم اعتماد اجتماعی، احکام فقهی مقوم اعتماد اجتماعی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

طرح مسأله

اعتماد اجتماعی سازوکار انسجام بخشی است که با ایجاد تجانس و تفاهم موجب پایداری و تسهیل روابط و مناسبات اجتماعی می‌گردد. عناصری در دین اسلام وجود دارد که زمینه افزایش و یا کاهش اعتماد به دیگران است. مفاهیمی چون "مؤمن"، "متقی"، "برادر"، "ولایت مؤمنانه"، "ملاحظه کرامت انسانی"، "حق الله و حق الناس"، "مسلم"، "متشعر"، "متخلق"، "تعاون"، "تکافل"، "مواسات"، "قرض الحسنه"، "صدقه"، "وقف"، "عمل صالح"، "حسن خلق"، "تولی"، "حرمت غیبت و تهمت و افتراء و اهانت" و دهها مفهوم دیگر حاوی امکان یا تشویق به اعتماد در برخی روابط و مناسبات اجتماعی است. از سوی دیگر برخی از مفاهیم حاوی بی اعتمادی و دقت در مرادوات اجتماعی است. مفاهیمی چون "فاسق"، "فاجر"، "ظالم"، "طاغوت"، "منافق"، "کافر"، "تبری" و دهها مفهوم دیگر.

در قرآن کریم دستوراتی وجود دارد که حاوی ضرورت اعتماد فردی و اجتماعی است نظیر الگو و اسوه اعلام شدن رسول خدا(ص). (احزاب: ۲۱) و حضرت ابراهیم (ممتحنه: ۴) و دستور به اطاعت کردن از خداوند و رسول خدا(ص) و اولی الامر(نساء، ۵۹) و برتر دانستن رسول خدا از خویشتن از سوی مؤمنان(احزاب: ۶) و مذمت کردن عدم پیروی از رسول خدا و از سوی دیگر رسول خدا (ص) را بابت اعتماد به مؤمنان تمجید می‌کند. این موضوع آنقدر رواج داشته که منافقان رسول خدا را "اذن" که به معنای زودباور است به تمسخر گرفتند و خداوند این رویه را مایه خیر و برکت برای مؤمنان دانست. (توبه: ۶۱) و نیز قرآن کریم از اعتماد کردن مؤمنان به برخی نهی کرده اند. نظیر نهی از اتکا به ظالمان. (هود: ۱۱۳) و هشدار نسبت به اینکه رضایت یهودیان و مسیحیان وقتی اتفاق می‌افتد که از آنها پیروی کنید. (بقره ۱۲۱)

در این مقال بر آن هستیم تا به این پرسش پاسخ دهیم که رویکرد اسلام در روابط و مناسبات اجتماعی در خصوص اعتماد کردن یا بی اعتمادی چیست؟ آیا اصولاً آموزه های اسلامی ما را به اعتماد به دیگران فرامی‌خواند؟ و اگر برای اعتماد اجتماعی شرایطی است آن شرایط کدام است؟

مفهوم شناسی

اعتماد (TRUST) در لغت به معنای تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی، اطمینان، وثوق، باور و اعتقاد تعریف شده است. (عمید، ۱۳۶۹، ص. ۲۰۱)

اعتماد، لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی، ایجادکننده تعاون و همیاری است و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوتها قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شویم. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۸)

مبانی نظری

اعتماد اجتماعی به همراه مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی بشمار می‌روند. فروپاشی ساختارهای سنتی و فرهنگ جمع‌گرا و افزایش بی‌اعتمادی و هویت‌های تفریدیافته و منزوی موجب شد تا توجه جامعه‌شناسان به این موضوع معطوف شده و از اعتماد اجتماعی، تولید شبکه تعاملات بین نهادی و شکل‌گیری ارتباطات مردمی در قالب انجمن‌های مردمی و پیوندهای صمیمی افقی و عرصه‌های تسهیل‌کننده تعاملات رسمی نظیر انتخابات و دموکراسی و زمینه‌های افزایش دهنده تعلقات جمعی و احساس تعهد اجتماعی (غفاری، ۱۳۸۴، ص. ۷۰) سخن به میان آورند.

جامعه‌شناسان در سه سطح خرد، میانه و کلان به ارائه دیدگاه‌های نظری درباره اعتماد اجتماعی مبادرت کرده‌اند. برخی اعتماد را به عنوان یک امر فردی، بررسی کرده و آن را در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و نوع دوستی دانسته‌اند. فضای امید به پذیرش و حمایت و تأیید اجتماعی نیز از زمینه‌های اعتمادزا خوانده شده‌است. آمادگی اعتماد کردن بیشتر در قالب فعال‌گرایی به جای انفعال‌گرایی عام، خوش‌بینی به جای بدبینی، جهت‌گیری معطوف به آینده به جای جهت‌گیری معطوف به حال داشتن، آرزوهای بلند داشتن به جای آرزوی‌های در سطوح پایین، جهت‌گیری معطوف به کسب موفقیت به جای جهت‌گیری معطوف به دنباله‌روی و انگیزه نوآورانه به جای هم‌نوایی و تقلید از ویژگی‌های شخصیتی اعتماد‌کننده است. (زتومکا، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۲)

برخی اعتماد اجتماعی را باعث افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتارها شمرده^۱ و آنرا عامل اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی توصیف کرده‌اند. (قدیمی، ۱۳۸۶، ص. ۳۳۵) برخی به عوامل تقویت‌کننده اعتماد توجه کرده‌اند.^۲ و برخی نیز فضایی که در آن اعتماد اجتماعی وجود دارد را مورد بررسی قرار داده‌اند. (همان، ص. ۳۳۵)

۱. افرادی چون لومان

۲. پارسونز در بحث عناصر کنش متقابل

کلمن اعتماد را در بحث خرد مورد بررسی قرار داده است. او معتقد است در رابطه دوطرف اعتماد کننده داریم و اعتماد شونده و اعتماد کننده ریسک و خطر اعتماد را می‌پذیرد و طرف دیگر تصمیم می‌گیرد این ارتباط برقرار شود یا خیر. (کلمن: ۱۳۷۷، ص. ۲۷۱، زین آبادی، ص. ۱۸) و بر رفتار عقلانی ارزشی را وابسته به وجود و حضور اعتماد می‌داند. اعتمادی که منشأ آن منافع فردی و گروهی است. این اعتماد می‌تواند نقش مهمی در انواع مشروعیت داشته باشد. گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می‌برد. به گفته وی در جوامع مدرن تحت تسلط نظام‌های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی نیاز به اعتماد با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است. به عبارتی ما در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را می‌توان مستقیماً مورد بازنگری قرار داد نیاز به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم (ریتزر، ۱۳۷۷، ص. ۷۶۸)

از نظر گیدنز بعد از خانواده و محله دین سومین عامل تولید اعتماد اجتماع است: این عامل به جهان بینی مربوط می‌شود. عقاید دینی ممکن است منبع اضطراب یا حرمان شدیدی باشند. از جهات دیگر، جهان بینی‌های دینی تأمین‌کننده تفسیرهای اخلاقی و عملی از زندگی شخصی و اجتماعی و همچنین از جهان طبیعی هستند که برای مومنان، محیطی آکنده از امنیت ایجاد می‌کنند. چهارمین زمینه اصلی روابط مبتنی بر اعتماد در فرهنگ‌های پیش مدرن خود سنت است. سنت، بر خلاف دین، به هیچ پیکره خاصی از عقاید و مناسک اطلاق نمی‌شود بلکه به معنای شیوه سازماندهی این عقاید و مناسک به ویژه در نسبت با زمان است. سنت روالمند است. سنت ذاتاً پرمعنا و نه صرفاً عادت‌پوچ به دلیل نفس عادت است. مناسک غالباً جنبه‌ای اجباری به سنت می‌دهند، اما عمیقاً آرامش‌بخش نیز هستند؛ زیرا مجموعه اعمال معینی را آکنده از کیفیت آیینی می‌سازند. بنابراین تا زمانی که اعتماد به پیوستگی گذشته، حال و آینده را حفظ می‌کند و این اعتماد را به اعمال اجتماعی قاعده‌مند متصل می‌سازد، سنت به شیوه‌های اساسی در امنیت وجودی سهمیم است. (ریتزر، ۱۳۷۷، ص. ۷۶۸)

فوکویاما در سطح کلان و با رویکرد اقتصادی به بررسی اعتماد اجتماعی می‌پردازد. و مبنای نظری و کانون تمرکز او بر حفظ سرمایه اجتماعی به عنوان مجموعه معینی از هنجارها و ارزش‌های غیررسمی است و اعضای گروهی که با یکدیگر همکاری و همیاری دارند، در آن سهمیم هستند. از دید فوکویاما این ارزش‌ها و هنجارها باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۰، زین آبادی: ۲۸)

چلبی اعتماد را به شخصی و تعمیم یافته تقسیم می‌کند و معتقد است اعتماد شخصی بین افراد نزدیک مثل افراد خانواده که همدیگر را می‌شناسند اتفاق می‌افتد ولی اعتماد تعمیم یافته

عبارت از حسن ظنی است که به افراد یک جامعه گرچه آنها را نمی‌شناسد، تعلق می‌گیرد. (چلبی، ۱۳۷۳، ص. ۱۳۷۰)

در ادامه به برخی از ابعاد موضوع در آموزه های اسلامی مبادرت می‌شود.

مباحث اصول فقهی مرتبط با اعتماد اجتماعی

اصول فقه عهده‌دار بیان ضوابط و قوانین مرتبط با استنباط احکام فقهی است. بسیاری از ابواب اصول فقه از جمله مباحث مرتبط با الفاظ و انواع حجیت‌ها به بحث‌های عرف باز می‌گردد که مستقیم یا غیر مستقیم به بحث سامان دادن پای‌دار روابط و مناسبات اجتماعی باز می‌گردد. به دو موضوع خبر واحد و بنای عقلاء در این خصوص اشاره می‌شود.

الف) خبر واحد

بحث اعتماد یا عدم اعتماد به اخبار افراد از موضوعاتی است که در قرآن و روایت و مباحث فقهی و اصولی بدان پرداخته شده است.

قرآن کریم جامعه را به دو گروه مؤمن و فاسق تقسیم می‌کند و در آیه ۶ سوره حجرات از مؤمنان می‌خواهد که به خبر فاسقات اعتماد نکنند (حجرات: ۶) این موضوع باب این بحث را گشوده است که اصولاً روابط و مناسبات در خصوص پذیرش اخبار دیگران چگونه باید باشد؟ اصولیین شیعه خبر را به متواتر و واحد تقسیم کرده‌اند. تردیدی در حجیت و قابل اعتماد بودن خبر متواتر نیست یعنی وضعیتی که در هر طبقه از نقل‌قول‌ها راویان زیادی خبر را گزارش کرده‌اند. اما در قابل اعتماد بودن خبر واحد یعنی گزارش یک نفره محل بحث است. برخی معتقد به حجیت (قابل اعتماد بودن) خبر واحد و برخی مخالف آن هستند. شیخ طوسی مدعی است که برای حجیت خبر واحد دلیل قطعی وجود دارد و دیگران همچون سید مرتضی منکر وجود چنین دلیلی هستند. مشهور فقهی شیعه خبر واحد بدون قرائن قطعی را از باب ظن خاص دارای حجیت می‌دانند. برخی خبر واحد حسی ثقه یا عادل را دارای حجیت می‌دانند. بدین معنا که خبر از روی حدس و گمان فرد گزارش نشده بلکه گزارشگر عادل دیده یا شنیده خود را گزارش می‌کند. سید محمد تقی حکیم قابل اعتماد بودن و اطمینان به اینکه فرد مخبر دروغگو نیست را معیار حجیت خبر واحد می‌داند. (الحکیم، ۱۴۱۸: ۲۱۸) و محقق اردبیلی روایت فرد عادل که عدالت او از طریق مجاری شرعی تأیید شده باشد را قابل پذیرش می‌داند. (المحقق المقدّس الأردبیلی جلد ۸، صفحه ۴۸) بنابراین آنچه از این مباحثات استنباط می‌شود این است که دین ما را به دقت در اعتماد به دیگران فرا می‌خواند. پذیرش گفتار فرد غیرعادل و فاسق را به صراحت نکوهش می‌کند و از این معنا استفاده می‌شود که گفتار فرد عادل می‌تواند قابل اعتماد باشد.

ب) بنای عقلاء

از مباحث مرتبط با اعتماد اجتماعی حجیت بنای عقلاء است. بنای عقلاء عبارت است از تکرار و استمرار عمل عقلاء در موضوعی از آن جهت که عاقلند. خواه دارای یک دین و مرام یا اهل ادیان و مذاهب گوناگون باشند. (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۹۳-۱۹۲). پس بنای عقلاء عبارت است از روش عموم مردم در گفتگو و معاملات و روابط اجتماعی آنان مثل رجوع جاهل به خبره و عمل به ظاهر کلام. (ولایی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۷)

به بنای عقلاء "سیره عقلا" هم گفته اند. و اگر منظور رفتار مشترک تمامی مسلمانان باشد از آن جهت که مسلمان هستند؛ آن را "سیره متشرعه" یا "سیره شرعیه" یا "سیره اسلامی" گویند. (مظفر، ۱۳۷۰، جلد دوم: ۱۵۲)

براساس حجیت بنای عقلاء به معنای اعم بحث این است که می توان طبق نظام اولویت بندی که شارع ارائه کرده و در علم اصول فقه بحث می شود به سیره و رویه عقلاء عمل کرد. سیره‌ای که از جهت عاقل بودن افراد در جریان است و به زبان و دین خاصی اختصاص ندارد و رویه عقلایی مخالفی نیز ندارد. این اعتماد اجتماعی روشی خردمندانه تلقی می‌گردد. بنابراین رویه‌هایی مثل شرب خمر و قماربازی و همجنس‌گرایی که نه اقدام کنندگان آنها از جهت عاقل بودن آنها را انجام می دهند و نه رویه مشترک بین همه عقلاء است از حجیت بنای عقلاء خارج شده و قابل اعتماد نیست. اما به عنوان مثال گروه‌گذاری در معاملات به عنوان وثیقه عملی است که در بین عقلاء رایج است و شارع هم آن را رد نکرده است پس این رویه صحیح شمره می شود.

همگانی بودن و عمومیت داشتن سیره عقلا بدین معنا است که اگر هر عاقلی در چینی شرایطی قرار گیرد چنین رویه‌ای را خواهد پسندید و بدان عمل خواهد کرد. بنابراین به رسمیت شناختن حقوق معنوی از قبیل حق تألیف و اختراع و آثار هنری، سرقتی و ... به رغم عدم مشارکت تک تک عقلاء، سیره‌هایی عقلایی به حساب می‌آیند.

نکته اساسی اینکه طبق نظر قریب به اتفاق فقه و اصولیین شیعه حجیت بنای عقلاء به حجیت سنت باز می‌گردد. یعنی بنای عقلایی حجت و قابل اعتماد است که تأیید و امضای شارع را داشته باشد و از نظر قول، یا فعل یا تقریر معصومین مورد تأیید قرار گرفته باشد. به عبارت دیگر، بنای عقلاء تنها جنبه کاشفیت و طریقیّت دارد. یعنی بنای عقلاء به عنوان بنای عقلاء قابل اعتماد نیست بلکه از این جهت که این بنا تأیید شارع را دارد مورد وثوق است. بنابراین در بناهایی عقلایی، آن چه در حقیقت حجیت دارد، امضا و تقریر صادر از معصوم (ع) است و نه خود سیره.

بحث دیگری که در این مقام مطرح است این است که احراز عدم منع شارع لازم است یا عدم احراز منع. در صورت دوم اثبات عدم مخالفت شارع لازم نیست همین که مخالفت شارع

احراز نشده برای حجیت آن عمل عقلایی کافی است. (ر.ک دانشنامه جهان اسلام: ۲۴۳) محمد جواد مغنیه در سیره‌های عقلایی، «عدم احراز ردع» را کافی دانسته، اما به عقیده وی "مراد از سیره عقلاء همان عرف عام است، آن هم عرف عام از پیروان هر دین و مذهبی که علمای ما از آن به بنای عقلاء تعبیر می‌کنند. شارع مقدس اسلام رئیس و پیشوای اهل عقل و عرف است و در قانون گذاری اسلامی به عرف شناخته شده در میان مردم توجه شده و با همین عرف با مردم سخن گفته شده است (جهانخواه، ۱۳۹۰)

از آنچه گذشت می‌توان استنباط کرد که آنچه در نظام اجتماعی اسلام حائز اهمیت است استقرار روابط و مناسبات اجتماعی بر پایه‌ای است که موجب تحقق ارزش‌های الهی گردد. بنابراین سیره‌های رایج بین اقوام نیز آنچه به سرچشمه عقل و عقلاء باز می‌گردد و شارع آن را تأیید کرده یا ردعی و منعی نسبت به آن ندارد؛ قابل اتکاء تلقی می‌شود. پس اعتماد در اینگونه امور به رویه‌ها نیست بلکه به مقاصد حکیمانه حاکم بر روابط و مناسبات اجتماعی باز می‌گردد.

اخلاق اجتماعی مرتبط با اعتماد اجتماعی

نظام هنجاری از دو بعد اخلاقی و حقوقی تشکیل می‌شود. نظام هنجاری اسلام دارای ویژگی‌هایی است که می‌تواند به عنوان زیرساخت تأمین‌کننده اعتماد اجتماعی تلقی گردد. خاستگاه کتاب و سنت و عقل، ابتناء بر حکمت نظری و عملی، تفکیک حقوق به حق‌الله و حق‌الناس، برقراری ارتباطات اجتماعی بر مبنای رابطه اخوت، بنوت، نبوت و امامت و اعتقاد به سنت‌های الهی از اموری زیرساختی است که در تحکیم اعتماد اجتماعی میان مؤمنان مؤثراند. با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، می‌توان برخی از اصول اعتماد اجتماعی را به شرح زیر بیان کرد: اصل وفای به عهد و ادای امانت، رازداری^۱، امانت و پرهیز از خیانت^۲. (آیه ۸ سوره مومنون، آیه ۳۲ سوره معراج)، اخلاص و صداقت، نفی تجاوز^۳، مساوات و عدالت^۴ و برتری با

۱. این اصل یکی از مصادیق وفای به عهد در روابط اجتماعی است این امر به قدری اهمیت دارد که خداوند برای این افراد در سوره بقره آیه ۲۷۱ که چنین ویژگی دارند وعده غفران داده است، و این امر به نوبه خود موجب افزایش اعتماد در جامعه می‌شود.

۲. از مصادیق اعتماد و افزایش سرمایه اجتماعی جامعه است، که به صورت مکرر خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

۳. چنانکه امیر المؤمنین خطاب به مالک اشتر بر رعایت انصاف بین همه مردم تأکید کردند و فرمودند انسانها دو دسته اند یا برادر دینی تو هستند یا با توجه به آفرینش برادرتو هستند

۴. اسلام هرگونه برتری جویی قومی و نژادی و بدون توجه عقلانی را رد کرده و ملاک برتری را به تقوا دانسته است.

ملاک تقوا (حجرات: ۱۳)، پاسخگویی در نظام اجتماعی^۱، عدم تعمیم دهی و یک کاسه دیدن^۲، نفی سو ظن (الحجرات: ۱۳)، پذیرش عذر

بر مبنای آموزه‌های اسلامی با رویکردی کنش‌گرایانه، بر اعتماد به مؤمنان سفارش شده و بی‌اعتمادی مورد نکوهش قرار گرفته است. افراد با ایمان کسانی هستند که به خدا و مؤمنان ایمان دارند. (توبه: ۶۱) و طبق بیان امام صادق (ع) ایمان به معنای تصدیق کردن خداوند و مؤمنان است. (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۹۹، ح ۱) مؤمنان باید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزند که برخی از آنها گناه است. (حجرات: ۱۲) بدگمانی موجب از بین رفتن رفاقت و دوستی می‌شود و می‌بایست از سوءظن بپرهیزند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷ ص ۲۰۷) مؤمنان باید کار برادران مسلمان با ایمان را حمل بر صحت کنند و حتی اگر حمل بر صحت و درستی آن مشکل است تلاش کنند تا وجه خوبی برایش پیدا کرده و از هرگونه بدگمانی تا قبل از مرحله علم بپرهیزیم. (حر عاملی، ۱۲: ۳۰۲/ ابواب احکام عشرة ب ۱۶۱ ح ۳). گمان بد کارها را فاسد کرده و انسان را بر کارهای زشت وای می‌دارد. (غررالحکم حرف سین لفظ «سوء») رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده: «کسی که به برادر خود سوءظن داشته باشد به تحقیق به خداوند بدی نموده است زیرا خداوند فرموده: «از بسیاری از گمان‌های بی‌اساس دوری کنید» (ری شهری، ج ۵ ص ۶۲۵) طبق آموزه‌های اسلامی نه تنها سوء ظن به برادران مسلمان ناپسند است بلکه از آنچه ممکن است موجب کدورت خاطر آنها شود و اعتماد آنها را تضعیف کند نیز برحذر داشته شده است. بر این مبنا غیبت گناه کبیره شمرده شده و با خوردن گوشت برادر مرده کراهت و زشتی کار تبیین شده است. (حجرات: ۱۲) غیبت چیزی را پشت سر مسلمانی شناخته شده گفتن است که خود راضی به افشای آن نیست گرچه مطلب بدی نیز نباشد. در این آموزه‌ها با این دستورالعمل در حدیث قدسی که اهانت به مؤمنان همچون اعلان جنگ با خداوند است زمینه‌سازی برای اعتمادسازی و زدودن بسترهای اجتماعی تولید بی‌اعتمادی را به حد اعلا رسانده است. (حر عاملی، ۱۳۶۷، ۱۲، ابواب احکام عشرة،)

در احکام اخلاقی اسلامی مؤمنان برادر یکدیگر خوانده شده‌اند (حجرات: ۱۰) که برخی بر برخی دیگر ولایت دارند (توبه: ۷۱) و حق تمسخر یکدیگر و طعن و عیب جویی یکدیگر و با

۱. بر این اساس وقتی آقازاده‌های مجرم و یقه سفیدان محاکمه و مجازات شدند اعتماد اجتماعی مردم جلب می‌شود. بنا بر آسیب شناسی پیشوایان دینی اقوام گذشته نابود شدند چرا که تبعیض روا داشتند یعنی پاسخگویی نخبگان جامعه تضعیف شده و نابرابری اجتماعی رخ نموده است.

۲. این خصلت بویژه در جوامع ابتدایی موجب بی‌اعتمادی است چه اینکه به جای قضاوت در مورد شخص در مورد موقعیت و جایگاه افراد قضاوت صورت می‌پذیرد بر این اساس اشتباه یک روحانی به تمام روحانیون تعمیم داده می‌شود و بی‌اعتمادی به یک نفر به کل آن صنف تسری داده می‌شود. قرآن می‌فرمود لاتزر وازره وزر اخری

القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد کردن، ندارند. (الحجرات) و نیز حق منت‌گذاری از دیگران را ندارند. (الحشر: ۱۰) مؤمنان برای خود و برادران دینی پیش از خود طلب آموزش می‌کنند و از خدا می‌خواهند که در دل‌هایشان حسد و کینه نسبت به برادران ایمانی خود نداشته باشند. (الحشر: ۱۱) سرمایه آنها اعتماد و ایمان به خدا و رسول و انفاق با اموال و جانشان در راه اوست. (الصف: ۱۱) آنان نه تنها باید حق برادری ایمانی را بین خود رعایت کنند بلکه نسبت به غیر مسلمانان نیز باید حق برادری در آفرینش را رعایت کنند و حق بی‌انصافی و بی‌عدالتی نسبت به آنها را ندارند. (نامه امام علی (ع) به مالک اشتر) مؤمنان آموخته‌اند که آنچه بر خود نمی‌پسندند بر دیگران نپسندند (نهج البلاغه، نامه ۳۱) و خوب و بد کارشان به خودشان باز می‌گردد. (الجاثیه: ۱۵) آنان مأمور به تعاون و همکاری بر نیکی‌ها و تقوا هستند و از همکاری در امور گناه و عدوان و تجاوز به حقوق دیگران برحذر داشته شده‌اند. (المائد: ۲) آنان باید نسبت به هم تکافل کنند و مواسات و برابری را رعایت کنند. و اگر فاسقی علیه یکی از آنان چیزی گفت نباید بدان اعتناء کنند بلکه باید تحقیق کنند تا مبدا در حق او ناروا قضاوت نکنند. (حجرات: ۶)

تأکید بر اعتماد اجتماعی بدین معنا نیست که مسلمانان را به سوی خوش‌خیالی و زودباوری و ساده‌لوحی بکشاند. مؤمنان کیس و زیرک‌اند و در فضایی که بی‌اعتمادی بر آن حاکم است امور را حمل بر صحت نمی‌کنند. در چنین فضایی اصل بر بی‌اعتمادی گذاشته می‌شود. (مجلس، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۷۰، باب ۲۸) و در میان خود نیز از آنچه زمینه‌ساز بی‌اعتمادی است پرهیز می‌کنند. لذا اگر معامله‌ای کردند شاهد می‌گیرند و به قول شفاهی بسنده نکرده و آن را می‌نویسند. (بقره: ۲۸۲)

از جمله زمینه‌های اعتماد اجتماعی همراهی و همدلی با دیگران است. پیشوایان ما به نخبگان جامعه آموخته‌اند که مردمی باشند و با مردم پایین دست اجتماع همراهی کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۲۲۰) سیره پیشوایان سرشار از تواضع و فروتنی بوده است. و آنان متکبر و خودخواه را به شدت مذمت کرده‌اند. (ابن بابویه، ثواب الاعمال: ۶۲۷) و آنان را که دیگران را برخورد ترجیح می‌دهند به بهترین نحو تمجید شده‌اند. (حشر: ۹) و مسلمانی را که به امور مسلمانان رسیدگی اهتمام نمی‌ورزد را مسلمان واقعی ندانسته‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۴) بهترین مردم آنان هستند که بیشتر به مردم سود می‌رسانند. دنیا میدان مسابقه‌ای ترسیم شده که موضوع مسابقه آن خیرات و نیکی‌هاست و دستور داده شده که مسلمانان در این مسابقه که آموزش الهی را به دنبال دارد سرعت بگیرند. (بقره: ۱۴۸) اولیاء الهی خود در این راه پیش قدم بوده‌اند.^۱

۱. قرآن کریم از سخن حضرت شعیب به قومش یاد می‌کند قصد من این نیست که چیزی بگویم و خود خلافت

انتقاد پذیری و پاسخگویی از اموری است که اعتماد اجتماعی را به همراه دارد. لذا انتقاد ناپذیری و خودبزرگ‌بینی سرزنش شده است. (بقره/ ۲۰۶) و مشارکت عمومی و مشورت‌گیری و توجه به افکار عمومی مورد تأیید قرار گرفته است. پیامبران مأمور بوده‌اند که به میزان فهم مردم با آنها سخن بگویند. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷) و مشارکت عمومی را تشویق کرده‌اند. (آل عمران: ۱۵۹) و هیچ‌یاوری را چون مشاوری ندانستند. (نامه امام علی (ع) به مالک اشتر)

تقوای اجتماعی و تقوای فردی نیز از اموری است که در آن می‌توان تفاوت رویکردی به عنصر اعتماد اجتماعی را رهگیری کرد. در تصدی اموری که به مصالح کلی و منافع عامه مردم باز می‌گردد؛ نمی‌توان با اعتماد به داوطلبان تصدی کارگزاری نظام، زمینه واگذاری امور را به آنها فراهم کرد. بلکه باید به احراز شرایط مبادرت کرد. اعمال نظارت استصوابی در مقابل نظارت استطلاعی شورای نگهبان در احراز صلاحیت داوطلبان تصدی پست ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران بر این مبنا است. در پاره‌ای از امور شخصی مانند ازدواج که سرنوشت ساز می‌باشد، نیز، اصل بر احتیاط بوده و در این امور نیز اعتماد بدون مذاقه نکوهش شده است.

اعتماد به متخصصین موضوعی عرفی و از مصادیق بنای عقلاء است. تقلید از مجتهدان از این قبیل است. این سیره رایج پیشوایان دینی است. دکتر سید حسن عارفی، پزشک معالج امام خمینی در خاطره‌ای از امام می‌گوید: «حضرت امام اهمیت زیادی به دستورات پزشک می‌دادند و در انجام موارد تجویز شده بسیار دقیق بودند» (amaran.ir)؛ خاطرات شنیدنی از دکتر عارفی پزشک معالج امام خمینی)

در اعتماد یا عدم اجتماعی می‌بایست به شرایط اجتماعی نیز توجه کرد. امام صادق می‌فرماید: «إِذَا كَانَ الزَّمَانُ زَمَانِ جَوْرِ وَ أَهْلُهُ أَهْلٌ غَدِرٍ فَالطَّمَانِيَةُ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ عَجْزٌ» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۳۹) «هرگاه زمانه، زمانه‌ی جور باشد و مردم آن زمان اهل نیرنگ باشند، اطمینان کردن به هر کس، ناتوانی است.» همانطور که می‌بایست به مخاطب نیز توجه کرد امام جواد علیه السلام فرمودند: «مَنِ انْقَادَ إِلَى الطَّمَانِيَةِ قَبْلَ الخُبْرَةِ فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلهَلَكَةِ وَ لِلعَاقِبَةِ المُتَعَبَةِ» (حسن ابن محمد دیلمی، ص ۳۰۹) «هر کس پیش از آزمودن، تسلیم اطمینان شود (و قبل از امتحان، اعتماد کند) خود را در معرض هلاکت و فرجام رنج آور قرار داده است.»

عمل کنم. (هود: ۸۸) امام علی (ع) با تأکید و سوگند، محوریت قانون برای همه - از جمله خود - را چنین بیان می‌کند: ای مردم! سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی وادار نمی‌کنم؛ مگر آن که پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن ترک گفته‌ام.

همنوایی و هم‌رنگی با جماعت از اموری است که در مباحث روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی به عنوان واقعیتی اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. آزمایش‌های مختلف نشان داده که انسان‌ها متأثر از دیگران هستند. قضاوت‌های مشابه جمعی یا در اکثریت بودن برداشت‌ها موجب می‌شود که افراد با جمع هم‌نوایی کنند. هم‌نوایی به سه گونه هم‌نوایی متابعتی، هم‌نوایی مشابهتی و هم‌نوایی از روی اعتقاد و درون‌شدگی ارزشها تقسیم شده و نوع اول به دو قسم هم‌نوایی اطلاعاتی و هم‌نوایی هنجاری تفکیک شده است. هم‌نوایی اطلاعاتی آنگاه اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به موضوع، اطلاعاتی ندارد و به جمع اعتماد می‌کند و هم‌نوایی هنجاری آنگاه اتفاق می‌افتد که فرد گرچه قضاوت و برداشت دیگران را نادرست می‌داند با وجود این فرد ریسک ناهم‌نوایی را نمی‌پذیرد و به قول معروف "گرخواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو" یا "سری که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند". بی‌تردید هم‌نوایی هنجاری مورد نكوهش آموزه‌های دینی قرار گرفته است. چنانکه می‌فرماید: امام کاظم (ع) به هشام بن حکم فرمود: "یا هشام! لو كان في يدك جوزة و قال الناس في يدك لؤلؤة ما كان ينفك و انت تعلم انها جوزة و لو كان في يدك لؤلؤة و قال الناس انها جوزة ما ضرك و انت تعلم انها لؤلؤة." (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۵).

ای هشام! اگر در دست تو گردویی بود و مردم گفتند مروارید است سودی به حال تو ندارد، در حالی که تو خود می‌دانی که آن گردو است. و چنان چه آنچه در دست تو است مروارید باشد ولی مردم بگویند گردو است، این گفته مردم نیز زبانی به تو نمی‌رساند، در حالی که خود می‌دانی که آنچه در دست داری مروارید است.

در اعتماد کردن به مخاطب نیز باید توجه کرد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمودند: به کسی که رازت را فاش می‌کند، اعتماد نکن. (حیدری، محمد، ۱۳۸۰، ص ۸۲) این مضمون را در سفارش به شرایط انتخاب دوست نیز می‌توان رهگیری کرد. طبیعی است آدمی به دوست اعتماد می‌کند. راز خویش را می‌گوید و درد دل می‌کند و از او مشورت می‌خواهد. پس آنگاه که از دوستی با افرادی نهی شده استفاده می‌شود که آنها قابل اعتماد نیستند. از این قبیل است: دوست نشدن با فاجرو بدکار (مجلسی، ج ۷۱، ص ۱۹۱) نثار نکردن همه محبت و اعتماد و اطمینان به دوست و فاش نکردن همه اسرار در نزد او (مجلسی، ج ۷۱، ص ۱۷۷)

از سوی دیگر آدمی می‌بایست در جهت جلب اعتماد دیگران بکوشد. پرهیز از موقعیت‌هایی که انسان را در معرض تهمت قرار می‌دهد از اموری است که مورد تأکید قرار گرفته است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید کسی که خود را در موضع تهمت قرار می‌دهد کسی جز خود را سرزنش نکند. (نهج البلاغه، حکمت: ۱۵۹)

احکام فقهی ضامن اعتماد اجتماعی

احکام فقهی برخی به صورت زیرساختی و ساختی و برخی موضوعی به تقویت اعتماد اجتماعی اهتمام دارد. بسیاری از احکام و دستورات مرتبط با چگونگی چیدمان ابنیه و فضای کالبدی در شهرسازی و شکل‌دهی به محله و جانمایی بازار و مسجد و دارالحکومه و نیز چگونگی نقشه منزل، زیرساخت‌هایی هستند که به افزایش اعتماد اجتماعی منتهی می‌شوند. "مسکن صرفاً به معنای سرپناهی برای خانواده نیست؛ بلکه واحدی اجتماعی است که براساس اصول واحدهای همسایگی و یا اصول اجتماعی بنا شده است.

همسایه مفهومی محوری در روابط و مناسبات اجتماعی محلی و شهری است. رسول اکرم (ص) در حدیثی می‌فرمایند: همیشه جبرئیل مرا وصیت به همسایه می‌کرد تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۵۱) و نیز فرمود: همسایه تو از هر سو کسی است که بین خانه تو و خانه او چهل ذراع، یعنی بیست ذرع فاصله باشد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۸) در آموزه‌های دینی پس از تعیین حد همسایگی، حقوق همسایگی تشریح شده است نظیر آیه ۳۶ سوره نساء که با عبارت "جار ذی القربی" و "جارجنب" احسان به همسایه مورد توجه قرار گرفته است. (نساء: ۳۶) و حرمت همسایه آدمی مثل نفس اوست که نباید به اضرار رساند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲) علاوه بر تأکید بر حق همسایه احکامی نیز برای رعایت این حقوق بیان شده است از جمله بالانبردن دیوار به نحوی که مانع وزش باد شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۹۳) اجتناب از سلب امنیت همسایه به نحوی که قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام برای این مهم صادر شد.

احکام کلاله و قسامه نیز اعتماد اجتماعی را به لحاظ ساختاری تقویت می‌کند. کلاله آن است که در جرم غیر عمد به جای فرد خاطی اقوام او خسارت را جبران می‌کنند و قسامه آن است که در قتلی که شائبه عمد بر آن می‌رود^۱ به دلیل وجود زمینه‌های سوءظن به فرد، خویشان نزدیک، بر بی‌گناهی خویشاوند خود، پنجاه بار قسم می‌خورند.^۲

برخی از احکام زمینه بی‌اعتمادی را مسدود می‌کند. نظیر اینکه دستور داده شده در هنگام معامله تعهدات معامله نوشته شود و این راه غفلت‌ها و فراموشی‌ها و سوءاستفاده‌های بعدی را می‌بندند.

از جمله احکام ساختی مرتبط با اعتماد اجتماعی وجود احکامی است که آرامش بخش و اعتماد آفرین و تضمین معیشت برای فرد و جامعه است. از جمله تشویق به صدقه مستحبی و

۱. احکام مربوط به لوث

۲. بحث قسامه فقه

واجب چون خمس و زکات، قرض الحسنه، وقف و امور عام‌المنفعه. فرد در چنین جامعه‌ای نگران قرار گرفتن در شرایط بی‌کسی نبوده و جامعه یاری‌گر او در شرایط نیاز خواهد بود. و این یاری‌گری بدون منت صورت می‌پذیرد. چه اینکه فرد به تکلیف و تعهد خویش عمل کرده‌است و جز این او را از جرگه افراد با ایمان خارج می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۶۳).

اعتماد به ظاهر ساختارهای اجتماعی در این مرام زاینده اعتماد اجتماعی است. از قبیل اینکه به صرف ظاهر مسلمانی افراد، حکم مسلمانی بار می‌شود. بازار مسلمانان قابل اعتماد است^۱ و بدون نگرانی می‌توان خرید و فروش کرد و نیاز به کنکاش حلیت و مالکیت و صلاحیت افراد برای معامله نیست. در امور غیرمعامله نیز به تناسب اهمیت اعتماد روا است البته باید در امور سرنوشت‌سازی چون اموری که به امور کلان اجتماع مربوط می‌شود دقت عمل بیشتری اعمال کرد و نباید به ظاهر اعتماد کرد. چنانکه در امور مهم در زندگی شخصی چون ازدواج نباید اصالت صحت جاری کرد، بلکه باید هشیارانه موضوع را بررسی کرد.

امضای رویه‌ها و آداب و رسوم‌های رایج از اموری است که زمینه ساز اعتماد اجتماعی است، بی‌تردید دگرگونی آنچه در میان مردم رواج دارد، بدون منطق آشکار و قابل فهم سلب اعتماد را در پی دارد. امام علی(ع) به کارگزارانش چنین توصیه می‌کند: «آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، برهم نزن و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته زیان وارد می‌کند، پدید نیآور. (نامه امام به مالک اشتر)

امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه الهی است که ملاک و شاخص جامعه اسلامی شمرده شده‌است. (آل عمران: ۱۱۰) روح امر به معروف و نهی از منکر به همدردی، همبستگی، تعارف و تعاون و احساس مسئولیت و امانت‌داری و اعتماد اجتماعی باز می‌گردد. در حقیقت امر به معروف و نهی از منکر نوعی ولایت عامه است (توبه آیه ۷۱) که احاد مسلمانان نسبت به هم دارند.

۱. از این موضوع تحت عنوان سوق المسلمین در فقه یاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی ضامن نظم اجتماعی است. مخدوش شدن اعتماد اجتماعی کاهش انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی را بردارد. فروپاشی عناصر سنتی در جامعه مدرن غرب، جامعه را در بحران هویتی قرار داد که غفلت جمعی و پخش مسئولیت^۱ و بی‌خانمانی هویتی^۲ و بلازه شدن^۳ از عواقب چنین وضعیتی است. ابتناء جامعه مدنی بر روابط و مناسبات قانونی و رسمی نیز نتوانسته سرمایه از دست رفته را بازآفرینی کند. این بحران فرهنگی و هویتی در جوامع غیر غربی پیرو مدل‌های غربی نیز وضعیت نگران‌کننده‌تری را به همراه داشته‌است.

وضعیت جامعه اسلامی ما، نیز، از این بحران در امان نبوده‌است. سرعت شهرنشینی، تغییر سبک‌زندگی بویژه با ورود فضاهای رسانه‌ای و مجازی و عدم آمادگی متولیان فرهنگی از یک سو و تبلیغات گسترده علیه ایستارها و هنجارها و ارزش‌های سنتی و بومی از سوی دیگر، سرمایه اعتماد اجتماعی را مورد هجوم قرار داده‌است. این در حالی است که موفقیت‌های چشمگیر در عرصه‌های مختلف بویژه در علوم و فناوری اعتماد به نفس جامعه را افزایش داده‌است و تلاش متولیان در جبهه مقاومت فرهنگی نیز در بکارگیری روش‌های حفظ و بقای سرمایه‌های اجتماعی بی‌تأثیر نبوده‌است.

آموزه‌های دینی چه از نظر اعتقادی و چه اخلاقی و فقهی دارای عناصر زیرساختی، ساختی و عاملیتی است که مستقیم یا غیر مستقیم موجب تقویت و تحکیم اعتماد اجتماعی می‌گردد. و با اعتماد به این آموزه‌ها و تبیین آنها می‌توان در عصر هویت‌های تا اطلاع ثانوی^۴ و تفردیافته شاهد جامعه اسلامی مبتنی بر اعتماد اجتماعی بود.

از موضوعات مرتبط با اعتماد اجتماعی در اصول نظیر حجیت خبر واحد و بنای عقلاء استفاده می‌شود که اسلام مؤمنان را به اعتماد اجتماعی بین مؤمنان و احتیاط و دقت در روابط و مناسبات اجتماعی با غیر مؤمنان فرامی‌خواند. این دوگانه اعتماد و بی‌اعتمادی بر مبنای ایمان از یک سو و شرک و کفر و نفاق از سوی دیگر شکل می‌گیرد. فعل مؤمن حمل بر صحت می‌شود. سو ظن به مؤمنان ناپسند است و بازار مؤمنان حمل بر صحت می‌شود. این دوگانه اعتماد اجتماعی و عدم آن با توجه به موقعیت‌های اجتماعی، مخاطبین و محافظت از حریم خصوصی و تفاوت مصالح عمومی و مصالح شخصی و تفاوت مصالح شخصی از نظر اهمیت موضوع نیز مورد توجه قرار گرفته‌است.

۱. دواصطلاح روان‌شناختی اجتماعی برای ترسیم وضع موجود است.

۲. اصطلاح پیتز برگر در کتاب ذهن بی‌خانمان

۳. اصطلاح زیمل برای ایجاد اضافه بار و در نتیجه حالت بی‌تفاوتی است.

۴. اصطلاح گیدنز در تبیین بحران هویتی غربی

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد ابن علی، (بی تا) ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه، علی اکبر غفاری، تهران: کتاب فروشی صدوق،
۲. ابن شعبه حرانی، (۱۳۸۲)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: آل علی
۳. ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۰) بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان، نامه علوم اجتماعی، بهار و تابستان، دوره ۹، شماره پیاپی ۱۷،
۴. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۳۴) شرح غررالحکم و دررالکلم، قم: دارالکتاب،
۵. باهنر، ناصر (۱۳۸۷) ارتباطات در جامعه اسلامی متکثر فرهنگی، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۱ (قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷)
۶. بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۶۲)، دانشنامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی
۷. جهانخواه، علی، (۱۳۹۰) جایگاه بنای عقلا در فقه شیعه، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هفدهم، زمستان
۸. چلبی، مسعود، (۱۳۷۳) تحلیل شبکه در جامعه شناسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳
۹. حر عاملی، محمد ابن حسن، (۱۳۶۷) وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث
۱۰. حکیم، سید منذر حکیم، (۱۳۸۸) مجتمعا فی فکر و تراث الشهید محمد باقر صدر، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، مرکز الدراسات العلمیه،
۱۱. حکیم، محمد تقی، (۱۴۱۸) الاصول العامه للفقہ المقارن: قم: المجمع العالمی لاهل البيت
۱۲. حیدری، محمد، روش دوست یابی، ترجمه سید محمدصادق عارف، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش
۱۳. دیلمی، حسن ابن محمد، (۱۴۰۸)، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البيت
۱۴. رحمانی، محمد، (۱۳۷۷) خبر واحد، نشریه: علوم حدیث ۱۳۷۷ شماره ۱۰
۱۵. ری شهری، محمد (۱۳۷۵) میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ اول،
۱۶. ریتزر، جرج، (۱۳۷۳) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی،

۱۷. زتومکا، پیوتر، (۱۳۸۶) اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، نشر و پژوهش شیرازه،
۱۸. زین آبادی، مرتضی، (۱۳۸۷) اعتماد اجتماعی، تئوریه‌ها و نظریات مربوط به اعتماد اجتماعی در جامعه، پژوهش‌کده تحقیقات استراتژیک، پژوهشنامه شماره ۱۶، تابستان
۱۹. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۷) کلیات فی علم الرجال، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، جلد ۱
۲۰. صدر، محمد باقر، (۱۴۲۹) الاسلام يقود الحياه، قم: انتشارات دار الصدر،
۲۱. الصدوق ابو جعفر محمد بن علی، (۱۴۰۸) علل الشرايع، بيروت: مؤسسه الاعلمی،
۲۲. الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۶۹ ش / ۱۴۱۰ ق) الامالی، بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،
۲۳. الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۷۴) خصال، قم، کتابچی،
۲۴. علی مؤیدی، (۱۳۸۵) فرهنگ جامع سخنان امام هادی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول.
۲۵. عمید، حسن، (۱۳۶۹) فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر،
۲۶. عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۳) حقوق جنایی اسلام، ترجمه اکبر غفوری مشهد بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول،
۲۷. فصیحی، امن الله و همکاران، (بی تا) نظم و انضباط اجتماعی در اسلام و شاخص‌های آن، قم: مرکز بررسی راهبردی ریاست جمهوری،
۲۸. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹) پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: جامعه ایرانیان،
۲۹. فیض، علیرضا، (۱۳۷۳) مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، سازمان چاپ و انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۳۰. قدیمی، مهدی، (۱۳۸۶) بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان، پژوهشنامه علوم انسانی: شماره ۵۳، بهار،
۳۱. قمی، عباس، (بی تا) سفینه‌البحار، بيروت: مؤسسه الوفاء، ج ۲
۳۲. کاظمی خراسانی، محمدعلی (آخوند خراسانی)، (۱۴۰۷)، کفایة الأصول، بيروت: مؤسسه‌الرساله
۳۳. کاظمی خراسانی، محمد علی، (۱۴۰۷) فواید الاصول، تقریرات درس مرحوم نایینی، جلد سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق) الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲
۳۵. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷) بنیاد نظریه‌های اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۳۶. کلینی، محمد، (بی تا) اصول الکافی، تهران: انتشارات مسجد چهارده معصوم (ع)، ج ۲
۳۷. گلشنی، مهدی، (۱۳۸۸) گزارش پژوهش ملی ایران و جهانی شدن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
۳۸. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۷) پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز،
۳۹. گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۳) تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موققیان، تهران: نشر نی، چاپ ۹
۴۰. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۳) بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث، ج، ۱۰، ۱۷، ۲۳، ۵۱، ۵۲، ۷۸، ۸۴، ۹۰.
۴۱. محقق مقدس اردبیلی، (۱۳۷۹) مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد، قم: النشر الاسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۴۲. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰) مجموعه آثار، تهران: صدرا، ج ۱۶
۴۳. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۰) اصول الفقه، جلد دوم قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم
۴۴. ورسلی، پیتر، (۱۳۷۸) نظم اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه سعید سعیدفر، تهران: تبیان،
۴۵. ولایی، عیسی، (۱۳۸۳) فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی، چاپ سوم،
۴۶. یوسف زاده حسن و کریم خانمحمدی، (۱۳۹۳)، ارتباطات میان فرهنگی بر اساس نظریه کنش دعوتی در تناظر با کنش ارتباطی هابرماس، قم: مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، شماره اول، زمستان.